



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

براهین اثبات خدا از دیدگاه شیخ اشراق و لایب نیتس

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر انشاءالله رحمتی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عزیزالله افشار

نگارش:

لیلا شیرمحمدی

سال تحصیلی ۹۱-۸۹

تقدیم

به پدر ، مادر و
برادران مهربانم که
هرچه

دارم از برکت وجود

آنهاست...

اینجانب به تاسی از حدیث شریف « من لم یشکر

المخلوق لم یشکر الخالق»

بر خود لازم می دانم از زحمات بی شائبه ی
اساتید گرانقدر، مسئولین و کارکنان محترمی که
در حیطة وظایف کاری خود، در طول دوره
تحصیلی کارشناسی ارشد، مرا رهین منت خود
نموده اند به ویژه استاد راهنما جناب آقای دکتر
انشاءالله رحمتی که با دقت نظر تیزبینانه و
راهنمایی های بی دریغ و عالمانه خود و استاد
مشاور جناب آقای دکتر افشار کرمانی با
مشاورتهای سازنده و صادقانه خویش اینجانب را
در تدوین و ارائه هرچه بهتر این پژوهش یاری
کرده اند و داور محترم سرکار خانم دکتر ثقفی
نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم.

فهرست

	پیشگفتار
	چکیده
	۱- اهمیت موضوع
	۲- پیشینه تحقیق
	۳- اهداف تحقیق
	۴- روش تحقیق
	۵- سوال تحقیق
	۶- واژگان تحقیق
	بخش اول: مفهوم خدا
	تاریخچه برهان آوری بر اثبات وجود خدا
	خداباوری (Thesim)
	وحدت باوری (mionism)
	آیا وجود خدا نیاز به اثبات دارد
	راه های اثبات حق تعالی
	نظری بر براهین اثبات وجود خدا
	بخش دوم: شیخ اشراق
	گفتار اول: مقدمه
	فصل اول: زندگی نامه شیخ اشراق
	فصل دوم: فلسفه نوری سهروردی و مبانی و ساختار علم الانوار
	فصل سوم: حکمت اشراق از نظر سهروردی
	فصل چهارم: هستی شناسی اشراقی (قاعده الواحد لا یصدر عن الا الواحد)
	فصل پنجم: از دیدگاه شیخ اشراق خداوند نور مطلق است
	فصل ششم: راه رسیدن به عالم انوار
	گفتار دوم: تصور خدا
	فصل اول: صفات خدا
	مبحث اول: نورالانوار
	مبحث دوم: قدرت خدا

	مبحث سوم: علم خدا
	مبحث چهارم: رحمت خدا (غنی مطلق)
	مبحث پنجم: از دیدگاه سهروردی حق تعالی فاعل بالرضاست
	فصل دوم: توحید و (یگانگی) خداوند
	گفتار سوم: اثبات خدا
	روش شیخ اشراق در اثبات وجود واجب تعالی
	مبحث اول: برهان اول شیخ اشراق از طریق اثبات نفس
	مبحث دوم: برهان دوم شیخ اشراق از طریق اثبات نیازمندی و فقر اجسام
	مبحث سوم: برهان سوم شیخ اشراق از طریق اثبات واجب بالذات و ابطال تسلسل
	مبحث چهارم: برهان چهارم شیخ اشراق از طریق علیّت
	مبحث پنجم: برهان پنجم شیخ اشراق از طریق حرکت
	گفتار چهارم: اثبات وحدت خدا
	برهان اول شیخ اشراق در اثبات وحدت خداوند
	برهان دوم شیخ اشراق در اثبات وحدت خداوند
	فصل ششم: نقد و بررسی
	بخش سوم: لایب نیتس
	گفتار اول: مقدمه
	فصل اول: زندگی نامه لایب نیتس
	فصل دوم: فلسفه لایب نیتس
	فصل سوم: سابقه آشنایی ایرانیان با فلسفه لایب نیتس
	گفتار دوم: تصور خدا
	فصل اول: صفات خدا
	مبحث اول: کمال خداوند
	مبحث دوم: علم خداوند
	مبحث سوم: اراده خداوند
	فصل دوم: جوهر
	مبحث اول: نظریه جدید در مورد منادها، ادراکات منادها
	مبحث دوم: جوهر در فلسفه لایب نیتس
	مبحث سوم: مفهوم جوهر فرد در الهیات

	مبحث چهارم: اثبات خدا
	گفتار سوم: براهین اثبات خدا از دیدگاه لایب نیتس
	فصل اول: براهین اثبات
	مبحث اول: برهان حرکت (محرک و متحرک)
	مبحث دوم: برهان ضرورت و امکان (یا برهان جهان شناختی)
	مبحث سوم: برهان مبتنی بر حقایق ازلی و سرمدی
	مبحث چهارم: برهان مبتنی بر غایت
	مبحث پنجم: برهان مبتنی بر هماهنگی پیشین برنارد
	فصل دوم: آنسلم و برهان وجودی ایشان
	مبحث اول: برهان وجودی
	مبحث دوم: آنسلم قدیس
	مبحث سوم: تکامل تدریجی برهان وجودی آنسلم
	تقریر اول : برهان وجودی آنسلم به بیان خود آنسلم
	تقریر دوم : برهان وجودی آنسلم
	مبحث چهارم: برهان وجودی لایب نیتس
	بخش چهارم: مقایسه
	نتیجه گیری
	منابع و مأخذ

کلیات

چکیده

از مباحث مطرح شده در میان فلاسفه، بحث وجود خداوند می باشد. سهروردی از فیلسوفان مسلمان است که معتقد می باشد خداوند نورالانوار است و مافوق همه نورها قرار دارد و از براهین متعدد ی همچون برهان حرکت، علیت، امکان، نیازمندی و فقر اجسام و... هم در اثبات وجود خدا و هم در اثبات صفات خدا استفاده می کند. وی بالاترین معرفت را معرفت شهودی می داند و لایب نیتس به عنوان یک فیلسوف غربی و موحد نیز قائل به وجود خداوند است و با براهینی همچون ضرورت و امکان، حرکت و هماهنگی پیشین بنیاد و برهان وجودی، خداوند را اثبات می کند و صفاتی چون علم، اراده و قدرت را برای آن قائل است که در بحث اثبات خداوند این دو فیلسوف با هم اختلافات و شباهت‌هایی دارند که بیشتر روششان شبیه به هم است، چرا که هر دو برای اثبات خدا در براهین علیت و حرکت و هماهنگی پیشین بنیاد یا هم اشتراک دارند و در این مختصر سعی شده به این تفاوت‌ها و شباهت‌ها پرداخته شود و مباحث موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه

در طول تاریخ مسأله خداوند و اعتقاد به یک وجود اعلی جهت ارضاء غریزه پرستش توسط انسان ها همواره مورد توجه بوده است و همین امر باعث شده که انسانها با کمک عقل و استفاده از براهین به اثبات و تبیین وجود این موجود متعالی و مافوق طبیعت پردازند و از این طریق بتوانند به بحث وجود خدا که همواره دغدغه بشریت بوده و هست پاسخی محکم و استوار داده باشند.

در این تحقیق سعی بر آن است که به بررسی موضوع خداوند در فلسفه که یک خاستگاهش غرب می باشد و دیگری در سرزمین های اسلامی پرداخته شود و تا حد امکان این دو فلسفه از این موضوع مورد بحث و بررسی و تطبیق قرار گیرد در این تحقیق با توجه به بررسی و بحث در موضوعات مطرح شده در بحث خداوند در دو فلسفه سهروردی و لایب نیتس، سعی در پاسخگویی به این سوالات بوده است و بیان شیخ اشراق و لایب نیتس دو حکیم مسلمان موضوع براهین اثبات وجود خدا، برهان حرکت و... مشابه می باشد و در بعضی موارد اختلاف دارند. همچنین در موضوع افعال خداوند و صفات خداوند هر دو حکیم وجوه تشابه زیادی با هم دارند.

به امید اینکه در جهت بررسی و تطبیق نظریات این دو بزرگوار قدمی کوچک برداشته باشیم.

اهمیت موضوع

از آنجا که وجود خداوند به عنوان موجود اعلی و مافوق بشر در آغاز تاریخ و ابتدای وجود بشر به علت وجود غریزه پرستش همواره فکر و ذهن انسان را مشغول داشته، همواره این سوال برای او مطرح بوده است که آیا خداوند به عنوان موجودی شایسته پرستش حقیقتاً وجود دارد؟ آیا عقل بشری می تواند وجود آن را اثبات کند؟ در این صورت او چه صفاتی خواهد داشت؟ همچنین پرسشهای دیگری مطرح می شود که پاسخگویی به آنها همواره دغدغه انسان بوده است، زیرا در صورت اثبات وجود خداوند مسئله پرستش و غایتمندی زندگی انسان مطرح می شود، همچنین در زمینه اخلاقی و با اعتقاد و ایمان داشتن به یک موجود برتر همواره درصدد سنجش افعال و اعمال خود و قیاس آن با غیر مطلق خواهد بود.

به همین دلیل چ و ن در این مسأله با توجه به تأثیر عمیق آن در حیات بشری بسیار مهم می باشد توجه پژوهشگر را به خود جلب نمود، مخصوصاً بعد از مطالعه کتب مختلف در زمینه فلسفه اسلامی و از جمله شیخ اشراق به این مسأله و پردازش آن در بیان فیلسوفان غربی از جمله لایب نیتس درصدد برآمدم تا بتوانم بحث اثبات وجود خداوند از دو دیدگاه شیخ اشراق و لایب نیتس را مورد دقت و بررسی قرار داده و به بررسی و تطبیق بحث های مطرح شده میان این دو فیلسوف پردازم.

سوالات تحقیق

در این پژوهش به دنبال دستیابی به پاسخ این سوالات بوده ایم:

۱- سهروردی از چه براهینی در اثبات وجود خداوند استفاده می کند؟

۲- صفات خداوند از نظر او چه صفاتی است؟

۳- افعال خداوند در زمینه آفرینش چگونه افعالی است؟

۴- لایب نیتس جهت اثبات وجود خداوند از چه براهینی استفاده می کند؟

۵- صفات خداوند از نظر او چه صفاتی است؟

۶- و در نهایت به این پاسخ برسیم که: چه نقاط اشتراک و افتراقی بین دیدگاههای این

دو فیلسوف وجود دارد؟

فرضیه های تحقیق:

سهروردی و لایب نیتس هر دو به وجود خدای واحد معتقدند . شیخ اشراق در اثبات

وجود خداوند از براهینی چون برهان حرکت و علیت استفا ده می کند، همچنین لایب

نیتس از براهینی چون برهان حرکت و هماهنگی پیشین بنیاد و برهان وجودی استفاده

می کند که در برهان حرکت میان دو فیلسوف اشتراک نظر وجود دارد . همچنین صفات

خداوند از دیدگاه سهروردی و لایب نیتس دارای نقاط مشترک فراوانی است . و اینکه هر

دو قائل به وجود عنوانی چون نور و مناد هستند.

اهداف تحقیق

دست یابی به پاسخ هایی در خصوص پرسشهایی از قبیل:

سهروردی در اثبات وجود خداوند با عنوان نورالانوار از چه براهینی استفاده می کند؟
صفات نورالانوار چه صفاتی هستند؟ افعال نورالانوار در آفرینش چه هستند؟ و همین
طور لایب نیتس در اثبات وجود خداوند با نام مناد از چه براهینی استفاده می کند؟
صفات مناد از نظر او چه صفاتی هستند؟ افعال مناد چیست؟ و اینکه چه مقایسه و
بررسی ای می توان در مورد دیدگاه هر دو فی لسوف در زمینه اثبات وجود خداوند،
صفات و افعال او داشت؟

واژگان کلیدی

سهروردی- لایب نیتس- وجود خداوند- اثبات خداوند- صفات خداوند- نور- مناد

بخش اول

مفهوم خدا

«تاریخچه برهان آوری بر اثبات وجود خدا»

از جمله دلایل فطری بودن یک رفتار، استمرار آن در طول تاریخ است. زیرا امور فطری همیشه همراه و همزاد انسان هستند و هرگز از بین نمی روند، سر این که هنر دوستی عدالت خواهی و کمال جویی، ... همواره در طول تاریخ وجود داشته اند فطری بودن آنهاست. اگر نیاز و خواسته ای در انسان فطری نباشد به تدریج با تحولات زندگی بدست فراموشی سپرده می شود اما اگر خواسته ای از عمق جان انسان سرچشمه بگیرد هرگز چیزی نمی تواند برای همیشه جای آنرا بگیرد و اگر انسان آنرا چند صباحی نادیده بگیرد بالاخره بعد از مدتی به ناچار به سوی آن باز می گردد. مثلاً ممکن است انسان در انتخاب معبود خطا کند ولی پس از چندی بر اساس حس حقیقت جویی به کشف واقعیات گرایش پیدا می کند، انسان می خواهد اشیاء را آن چنان که هستند دریابد. از دعاهای منسوب به پیغمبر اکرم (ع) است که: «اللهم ارنی الاشیاء كما هی» «اشیاء چنان که هستند بنما»

مولانا می گوید: (مثنوی مولوی؛ ۱۳۷۴، ص ۵)

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

یکی از چیزهایی که از سپیده دم تاریخ بشر تا کنون وجود داشته خدانشناسی و خداگرایی است تا آنجا که تاریخ زندگی بشر، از تاریخ پرستش خدا جدا نیست. قرآن خداجویی را فطری دانسته و آنرا برخاسته از ژرفای وجود انسان می داند. «فاقم وجهک الدین حنیفا فطره الله التی فطر الناس علیها، لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون»^۱

۱. (روم، ۳۰)

خردورزی درباره مبدأ هستی همراه آدمی است و قدمتی به بلندای تاریخ اندیشه بشر دارد اندیشه در باب خداوند عالم جزء لاینفکی از حیات انسانی است.

خداباوری (Theism):

خداباوری نظریه ای است که در عرصه خدانشناسی در مقابل نظریه وحدت باوری قرار می گیرد خدای مورد اعتقاد Theism در واقع دو ویژگی بارز دارد. یکی اینکه این خدای متعالی است به این معنا که جدای از عالم است و در فوق عالم قرار دارد این خدا به تعبیری می توان گفت خدای بالا سر و خدای موجود در آسمان است (البته آسمان نه به معنای امروزی کلمه بلکه به معنای رمزی و دینی کلمه که رمز تعالی است).

این خدا هر چند که در عالم حضوری بارز دارد ولی در عالم نیست. متمایز از عالم و متعالی بر آن است. دیگر این که خدا یان personal یعنی شخص وار یا انسان وار است و قتیکه می گوئیم شخص وار است به این معناست که اگر بخواهیم خدا را به موجودی در عالم مانند کنیم این خدا در درجه اول شبیه به انسان است. صفاتی که در Theism مطرح بوده است مسئله تشبیه و تنزیه خداوند به انسان تا آنجا پذیرفتنی است که تعالی خداوند محفوظ بماند حال باید دید که خدای مورد اعتقاد Theism چه اوصافی دارد و هر یک از آن اوصاف به چه معنا در مورد او اطلاق می شود به علاوه چگونه می توان صفات خداوند را در قالب منظومه ای منسجم تصور کرد.

وحدت باوری (mionism):

بر طبق وحدت باوری نظریه تک گوهری تنها یک واقعیت متعالی در عالم وجود دارد نه دو واقعیت مانند خالق و مخلوق و نه کثیری از موجودات. از لحاظ دینی برجسته ترین شکل وحدت باوری مکتب ادوایته و دانته آئین هندو است که مبلغ اصلی آن شانکاره (۷۸۸-۸۲۰) می باشد.

چهره های اصلی مکتب و دانتته عبارتند از: «شانکارا، رامانوجه، نیم باکا، مادهوا، والا با» که البته در میان آنها مقام بالاتر و ممتازتری داشت به نحوی که عده ای معتقدند مکتب ودانتا همان آئینی است که شانکارا پدید آورده است. دو نظریه مشهور در این باره را که یکی نظریه مکتب و دانتته غیر ثنوی در آئین هندوست و دیگری نظریه باروخ اسپینوزا فیلسوف هلندی قرن هفدهم است.

«در مورد خدا»

آیا وجود خدا نیاز به اثبات دارد:

عرفا و حکمای ربانی، فیلسوفان و متکلمان اسلامی، راه های متعددی برای شناخت خدا ارائه داده اند. همانگونه که صدرالمألهین می گوید:

«اعلم ان الطريق الى الله كثيره لانه ذو فضائل و جهات كثيره و لكل وجهه هو موليا لکن

بعضها اوثق و اشرف و انور من بعض» یعنی بدان که راهها بسوی خدا بسیار است

زیرا او دارای فضیلت ها و جهات کثیره بسیار است و برای هر مخلوق، وجهه ای است که جهت دهنده اش خداست. لکن بعضی از راهها موثق تر و شریفتر و نورانی تر از بعضی است.

حال از جمله مباحثی که در این زمینه مطرح و جای تأمل است این است که آیا وجود

خدا بدیهی است یا نظری؟

در پاسخ به این سوال نظرات متفاوتی ارائه شده است. برخی شناخت خدا را بدیهی می

دانند و برخی نظری. کسانی که به دیده دل واجب تعالی را کشف و شهود نکردند و

وجود خدا را بدیهی ندانسته اند چاره ای جز تمسک به برهان و استدلال ندارند. زیرا به

نظر این گروه تنها از راه برهان می توان به اثبات خدا پرداخت.

در اینجا به شرح عقاید و ادله هر یک از این دو گروه می پردازیم:

گروه اول: کسانی که شناخت خدا را بدیهی می دانند

این گروه کسانی هستند که شناخت و پی بردن به وجود خدا را نیازمند به برهان نمی دانند در این نظریه وجود خدا بدیهی دانسته شده و برای اثبات وجود خدا هیچ گونه برهانی را نیاز نمی دانند و به هیچ استدلال عقلی تمسک نمی جویند. اهل سیر و سلوک از جمله ارائه دهندگان این عقیده هستند که در برابر دیده خود هیچ گونه حجابی را نسبت به خدا نمی بینند. عارف، خدا را نخست در عمق جان خود شهود می کند و در پرتو این شهود چیزهای دیگر را مشاهده می کند.

به دریا بنگرم دریا تِ بینم به صحرا بنگرم صحرا تِ بینم

به هر جا بنگرم کوه و در دشت نشان از قامت رعنا تِ بینم

اینها کسانی هستند که در پی معرفت نفس و شهود قلبی بوده و در عین حال منکر معرفت عقلی نمی باشند. در معرفت استدلالی، عقل با تکیه بر سیر و سلوک برهانی و دست یابی به مطلوب در درون ارضا می شود و قانع می گردد. ولی معرفت افاضه ای که عارف در جستجوی آن است نوعی شدن و چشیدن است این نوع معرفت وجود آدمی را روشن می کند و به او خشوع و لطافت می بخشد و بنیاد هستی او را دگرگون می سازد و به نظر می رسد سخن گفتن از ترجیح بیهوده است. زیرا دو راه مکمل یکدیگرند. در بسیاری از معارف دینی گفته شده است که خدانشناسی از خود خداوند آغاز می شود و همه آنچه که دیگران درباره خدا می گویند یا استدلال می کنند مسبوق به تجلی خود

خداست و خداوند حاجت به گواه و دلیل ندارد و چون آفتاب است که خود گواه خود است

و به قول مولانا:

خود نباشد آفتابی را دلیل	جز که نور آفتاب مستطیل
سایه کی بود تا دلیل او بود	این بستش که دلیل او بود
این جلالت در دلالت صادقست	جمله ادراکات پس او سابقست

قرآن کریم بزرگترین حجت بالغه خداوندی بر بندگان است و تجلی گاه ذات غیبی اوست و از سرچشمه نورانی آن هم عرفا و حکما و متألهان سیراب شده اند، در جاهای مختلف حقیقت خداوندی را فراتر از برهان معرفی کرده است.

«هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم».

تعبیر « هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن » بیانگر این معناست که خداوند ظاهر مطلق است، نه برای انسان خاص و نه مشروط به شرطی، بلکه اگر حتی شناسنده ای و درک کننده ای هم در میان نباشد، او ظاهر است، یعنی ظهور او مطلق است، نه نسبی و مشروط و این ظهور مطلق عین خفای مطلق است. فیلسوفان در باب اصل «وجود» و «هستی» همین مطلب را می گویند. آنها مخفی بودن وجود را از شدت ظهور وجود می دانند. حکیم سبزواری این حکمت الهی و قرآنی را چنین بیان کرده است:

یا من هو اختفی لفرط نوره الظاهر و الباطن فی ظهوره (سبزواری، ۱۳۷۲، ۵)

حاصل آنکه، خداوند و حقیقت هستی هیچ گاه مخفی نبوده تا کسی و یا پدیده ای او را آشکار کند. از این رو به نظر می رسد که استدلال های عقلی او را محبوب تر می کند.

به قول فروغی بسطامی:

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را کی بوده ایی نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده ایی که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی و من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

براهینی که برای اثبات وجود واجب اقامه می‌شود، به منظور احیای فطرت است و در حقیقت به منزله تنبیه است نه استدلال، حتی همین تقریرها هم تنبیه است نه برهان، زیرا اگر واجب، همان واقعیت زوال ناپذیر است و برای انسان اصل و واقعیت زوال ناپذیر واجب تعالی است و دیگر واقعیت‌های زوال پذیر به او متکی و مرتبطاند. نه آن که با این تقریر و مانند آن چیزی که در نهان انسان نیست برای او حاصل گردد. پس همه براهین اثبات واجب تنبیه خواهد بود.

به همین دلیل در صدر اسلام هم پیامبر اسلام (ص)، خدا، نبی یا معاد را با استدلال و برهان اثبات نمی‌کرد. خطاب خداوند به انسان در قرآن مجید، بر مبنای این است که خداوند خود را به انسان عرضه کرده است نه اینکه خداوند بخواهد خود را برای انسان اثبات کند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) هم خودش را عرضه می‌کرد نه اثبات. شیوه پیامبر (ص) این نبود که با استدلال‌های کلامی نبوت خود را برای مردم اثبات کند، نبوت پدیده‌ای بود که عرضه می‌شد و تولید ایمان می‌کرد و احیاناً اگر در جائی به صورت

استدلالی و برهانی سخن می گفت همه اینها در درجه دوم قرار داشت. نتیجه آن که در درجه اول خداوند خودش را به ما نشان داده و به خود دعوت کرده است و به دنبال آن ذهن ها به تکاپو افتاده اند تا این حقیقت را جامه استدلالی بپوشانند.

اگر خداوند پیامبری نمی فرستاد و اگر حجت باطنی را که عقل باشد، در درون ما قرار نمی داد و اگر وجود ما را به گونه ای خلق نمی کرد که معطوف به او باشد هیچ گاه نمی توانستیم او را درک کنیم. حال پس از بیان و ارائه عقاید کسانی که قائل به بداهت وجود، فطری بودن وجود خدا هستند به ادله و عقاید کسانی می پردازیم که وجود خدا را بدیهی و فطری ندانسته بلکه وجود او را مبرهن و مستدل می دانند.

گروه دوم: کسانی که وجود خداوند را با استدلال و برهان اثبات می کنند:

اینها برای اثبات وجود خدا به برهان و استدلال تمسک می جویند و در پی معرفت عقلی هستند. از جمله طرفداران این عقیده قدیس آکویناس است که پس از توضیحاتی پیرامون وجود خدا می گوید:

برخی گمان می کنند وجود خدا نیازی به اثبات ندارد، زیرا شناخت این حقیقت ذاتی ذهن انسان است و در واقع، اگر هر انسانی با این شناخت فطری که خدا وجود دارد به دنیا بیاید این حقیقت دیگر قابل بحث و استدلال نخواهد بود، چگونه کسی می تواند قضیه ای را که صدق آنرا از پیش می دانیم، برای ما اثبات کند.

در واقع سوال این است که با اینکه شناخت خدا در انسان فطری نیست، چرا بع ضی می گویند شناخت فطری است؟ آکویناس به توجیه تلقی فطری بودن را چنین بیان می